



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱/۲۱-۵۳۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قرار عدم صلاحیت مذکور در بند ۴ ماده ۱۳ قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو مصوب آذرماه ۱۳۶۴، به قرینه قرارهای دیگری که در این ماده احصاء شده‌اند، ظهور در عدم صلاحیت نسبی و محلی دارد، زیرا این قرارها کلاً در دعاوی صادر می‌شود که قابل رسیدگی ماهوی در دادگاه‌های دادگستری است، در صورتی که قرار عدم صلاحیت ذاتی موضوع ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب خرداد ماه ۱۳۵۶ در پرونده‌هایی که باید در مراجع غیردادگستری مطرح و رسیدگی شود صادر می‌گردد و از شمول ماده ۱۳ قانون مرقوم خارج است، بنابراین رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور مبنی بر اعمال ماده ۱۶ قانون موصوف که به قوت و اعتبار خود باقی می‌باشد صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۹/۷/۳-۵۳۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بر اساس تبصره ذیل ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو مصوب خردادماه ۱۳۶۸، در نقاطی که دادگاه کیفری یک تشکیل نشده، رسیدگی به جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری یک با نزدیکترین دادگاه کیفری یک می‌باشد، مگر اینکه رئیس قوه قضائیه بر مبنای ماده ۵ قانون مزبور و بند یک از اصل ۱۵۸ قانون اساسی، قسمتی از حوزه قضایی دادگاه کیفری یک را منزع و در اجرای ماده ۹ قانون موصوف به دادگاه حقوقی یک واگذار نماید، بنابراین رأی شماره ۱۰۵۳/۱۲/۱۲-۱۳۶۸/۱۲/۱۰ رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با قانون تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۷/۱۰-۵۳۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ در مادتین دو و سه و قانون تجارت به شرح مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ شرایط خاصی را در مورد چک مقرر داشته، که از آن جمله کیفیت صدور چک و تکلیف دارنده چک از لحاظ موعد مراجعته به بانک و اقدام بانک محال علیه به پرداخت وجه چک یا صدور گواهی عدم تأديه وجه آن و وظیفه قانونی بانک دایر به اخطار مراتب به صادر کننده چک می باشد. مسؤولیت ظهرنویس چک موضوع ماده ۳۱۴ قانون تجارت هم بر اساس این شرایط تحقق می یابد و واخواست برات و سفته به ترتیبی که در ماده ۲۸۰ قانون تجارت قید شده ارتباطی با چک پیدا نمی کند، بنابراین گواهی بانک محال علیه دایر به عدم تأديه وجه چک که در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعت شده به منزله واخواست می باشد، رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور که هیأت عمومی حقوقی دیوان عالی کشور هم با آن موافقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۸/۱-۵۳۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تبصره ماده سه قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱، رسیدگی به اعتراض بر رأی وزارت نیرو را به دادگاه صالحه محول نموده که ظهور بر دادگاه های عمومی دادگستری دارد، بنابراین رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور که بر وفق این نظر صادر شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۹/۸/۱-۵۳۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از مادتین ۴۶۸ و ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری این است که دیوان عالی کشور پس از اطمینان از جهت اوضاع و احوالی که باعث استدعای محاکمه شده با قبول درخواست اعاده محاکمه، رسیدگی مجدد را به دادگاه همعرض که صلاحیت رسیدگی داشته باشد ارجاع می دهد و تصریح قانون به عدم اجرای حکم تا زمانی که اعاده محاکمه به انتها نرسیده و حکم مجدد صادر نشده، ملازمه به ابقاء حکم دارد، بنابراین نقض حکم قبل از رسیدگی به استدعای اعاده محاکمه فاقد مجوز قانونی است و آراء شعب ۲، ۴، ۱۲ و ۳۱ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۸/۱-۵۳۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۲ قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی به آنها مصوب مهرماه ۱۳۶۷، دادگاه کیفری یک را مرجع بررسی، نقض یا تأیید احکام دادگاههای کیفری ۲ قرارداده و بر این اساس رأی دادگاه کیفری ۲ بر تأیید قرار منع پیگرد از لحاظ جرم ندانستن عمل انتسابی در موارد مصرح در ماده ۱۶ این قانون قابل رسیدگی تجدید نظر در دادگاه کیفری یک میباشد، بنابراین رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بطبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۸/۲۹-۵۴۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند یک تبصره ۱۷ ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب بهمن ماه ۱۳۶۸ که مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی را جزای نقدی مقرر کرده، در مواردی هم که حکم دادگاه کیفری در مرحله رسیدگی تجدیدنظر باشد قابل اعمال است، بنابراین رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۹/۱۰/۴-۵۴۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ورود دسته جمعی و مسلح به عنف در موقع شب به منازل مسکونی مردم و سرقت اموال با تهدید و ارعاب و وحشت از جرایمی است که نظم جامعه و امنیت عمومی را مختل می‌سازد و رسیدگی آن بر طبق بند یک ماده واحده قانون مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی است، بنابراین رأی شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۰/۴-۵۴۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند دو ماده سه لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ ناظر به موردی است که دعوی و اختلاف راجع به اصل ثلث باشد، خارج کردن ثلث مورد وصیت از ماترك که باید بر وفق مقررات قانون امور حسبی انجام شود از امور راجع به تصفیه و تقسیم ماترك می باشد و از شمول ماده مرقوم خارج و رسیدگی آن بر طبق بند یک ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب ۱۳۶۴ در صلاحیت دادگاه های حقوقی است، بنابراین رأی شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۰/۱۱-۵۴۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرکتهای تحت پوشش بنیاد مستضعفان که شخصیت حقوقی مستقل از شخصیت بنیاد داشته و عملیات انتفاعی انجام می‌دهند، مشمول مصوبه مورخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب، موضوع معافیت بنیاد از پرداخت هزینه دادرسی نبوده و در دعاوی حقوقی خود باید هزینه دادرسی را وفق مقررات قانون پرداخت نمایند. این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری باید از طرف دادگاه‌ها در موارد مشابه پیروی شود.

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۱/۳۰-۵۴۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

رسیدگی به دعوی ابطال سند مالکیت و انتقال ملک به دولت، که در اجرای طرح تملک موضوع ماده ۹ قانون اراضی شهری و تبصره آن مصوب ۱۳۶۰ انجام شده، مستلزم آن است که دیوان عدالت اداری مقدمتاً بر طبق بند دو ماده ۱۱ قانون دیوان مصوب ۱۳۶۰ به شکایت از تصمیم و اقدام سازمان زمین شهری در استفاده از طرح تملک رسیدگی کند و در صورت احراز صحت شکایت و ابطال تصمیم و اقدام سازمان زمین شهری، دادگاه عمومی حقوقی به دعوی ابطال سند مالکیت و انتقالات مربوطه رسیدگی نماید، بنابراین رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۱/۳۰-۵۴۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از تبصره ذیل ماده ۶ قانون اراضی شهری مصوب ۲۷ اسفند ماه ۱۳۶۰ و تبصره ذیل ماده ۷ قانون زمین شهری مصوب ۲۲ شهریور ماه ۱۳۶۶ مصوب مجلس شورای اسلامی، این است که نظر قانونگذار در مورد رسیدگی مراجع ذیصلاح قضایی برای تأیید تاریخ تنظیم سند عادی و صحت معامله، تشخیص این امر است که تاریخ سند عادی معامله زمین، مربوط به قبل از تاریخ قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری باشد، بنابراین تشخیص صحت تاریخ معامله از دعاوی غیرمالی محسوب و رأی شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور که دعوی را غیرمالی دانسته صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۱/۳۰-۵۴۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تشخیص اراضی کشت موقت بر طبق ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون واگذاری زمینهای دایر و بایر مصوب ۸ آبان ۱۳۶۵ هیأت وزیران، به عهده هیأت واگذاری زمین محول شده و در تبصره این ماده تصریح گردیده که اعتراضات مربوط به شمول اراضی کشت موقت از طرف هیأت بررسی و در صورتی که اعتراض باقی باشد جهت رسیدگی نهایی به ستاد مرکزی واگذاری زمین ارجاع می شود. آیین نامه مذبور در جلسه مورخ ۱۵ شهریورماه ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و تصویب گردیده و اعتبار اجرایی دارد، بنابراین رأی شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور که بر مبنای این مصوبه صادر گردیده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۲/۷-۵۴۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند یک ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری، شکایت مدعی خصوصی را یکی از جهات شروع تحقیقات بازپرسی شناخته و ماده ۶۳ قانون مزبور هم به انجام این امر تأکید دارد ، بنابراین بازپرس محلی که در آنجا کالا برای حمل به مقصد تحويل راننده شده، ولی به مقصد نرسیده مکلف می باشد که با وصول شکایت مدعی خصوصی تحقیقات اولیه را شروع نماید و ادامه دهد تا پس از احراز وقوع جرم بر طبق مادتین ۵۴ و ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام گردد ، فلذا آراء شعب دوم و دوازدهم دیوان عالی کشور که بر مبنای این نظر صادر شده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۲/۷-۵۴۸

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

رسیدگی به جرائم عمدی که به نقص عضو متنه شود، بر طبق بند ب ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸، در صلاحیت دادگاه کیفری یک می باشد، بنابراین رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۶۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۲/۲۱-۵۴۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جرائمی که تحقق آن منوط به فعل دو نفر باشد جرم واحد است و چنانچه رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، رسیدگی به اتهام متهم دیگر هم بالملازمه و به مستفاد از تبصره یک ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۶۸ در صلاحیت دادگاه مذبور خواهد بود، بنابراین آراء صادره از شعب دوم و دوازدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۲/۲۱-۵۵۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جرائم انتسابی به شهردار بادرود نطنز (شهردار غیر مرکز شهرستان) از جرایم مذکور در ماده دو قانون اصلاح قانون تشکیل دیوان کیفر مصوب ۳۵۵ نبوده و مشمول تبصره دو ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۱۳۵۸ هم نمی باشد، لذا رأی شعبه ۱۵ دادگاه کیفری یک اصفهان که رسیدگی را در صلاحیت حوزه محل وقوع جرم دانسته صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ باید از طرف دادگاه ها در موارد مشابه پیروی شود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۹/۱۲/۲۱-۵۵۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۴۷ اصلاحی قانون ثبت مصوب تیرماه ۱۳۶۵ و تبصره های آن که برای مدت موقت و با شرایط معین، اجازه مراجعة متقاضی سند را به هیأت های مقرر در این قانون داده است، صلاحیت عام محاکم دادگستری را نفی نمی کند و لذا دعوی الزام به انتقال ملک که در دادگاه های دادگستری اقامه می شود باید مورد رسیدگی قرار گیرد و آراء صادره از شعب ششم و پانزدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۲/۳-۵۵۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در موقوفاتی که واقف شرایط و اوصاف خاصی برای متولی قرار داده باشد، رسیدگی به دعوی راجع به شرایط و اوصاف مذبور و تعیین متولی بر طبق بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب، در صلاحیت دادگاه مدنی خاص می باشد و ماده ۱۴ قانون تشکیل سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب دی ماه ۱۳۶۳ صلاحیت دادگاه مدنی خاص را نفی نمی کند، بنابراین رأی شعبه نوزدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره گل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۰/۲/۳-۵۵۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب آذرماه ۱۳۶۴، راجع به نظر و استنباط قضایی دادگاه حقوقی یک و ارسال پرونده به دیوان عالی کشور به شرحی که در ماده مرقوم ذکر شده، ناظر به موردی است که دادگاه حقوقی یک رسیدگی نخستین انجام می دهد، اما اگر دادگاه حقوقی یک در مقام رسیدگی تجدیدنظر نسبت به حکم دادگاه حقوقی دو یا حکم دادسرا باشد باید پس از خاتمه رسیدگی بر طبق ماده ۱۰ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی آنها مصوب مهرماه ۱۳۶۷ حکم صادر نماید، بنابراین رأی شعبه هفدهم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۲/۱۰-۵۵۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

صلاحیت دادگاههای کیفری یک و کیفری ۲ در مادتین ۷ و ۸ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب تیرماه ۱۳۶۸ معین شده و تابع مجازاتی می‌باشد که قانون برای هریک از انواع جرائم مقرر داشته است، بنديک تبصره ۱۷ ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ هم به دادگاه اختیارداده است که در بعضی از جرائم تعزیری به جای حبس یا آن مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتادهزارویک ریال تاسه میلیون ریال صادر نماید، بنابراین استفاده دادگاه از اختیار مذبور تأثیری در اصل صلاحیت دادگاه کیفری ۲ ندارد و رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که بر مبنای این نظر صادر شده صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۰/۲/۱۰-۵۵۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قرار رد درخواست اعاده دادرسی از حکمی که دادگاه حقوقی یک در مرحله رسیدگی تجدیدنظر صادر نماید، به اعتبار قطعی بودن حکم راجع به اصل دعوی، قطعی محسوب و قابل رسیدگی تجدیدنظر در دیوان عالی کشور نیست، بنابراین رأی شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۰/۲/۱۰-۵۵۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی، در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۶۰ تصریح شده و از آن جمله شکایت از شهرداریها به شرح قسمت اخیر بند (ب) از شق یک ماده مرقوم به جهت تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی است که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، بنابراین رسیدگی به شکایات مردم از شهرداریها در مورد خودداری از صدور پروانه ساختمان در صلاحیت دیوان عدالت اداری می‌باشد و رأی شعبه نهم دادگاه صلح سابق اصفهان صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۳/۷-۵۵۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دعوی بستانکاران برای وصول بدھی کارخانه هایی که به ثبت رسیده و دارای شخصیت حقوقی باشند باید علیه کارخانه اقامه شود، النهایه در مواردی که طبق قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه های کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۴۳ مدیر یا مدیرانی برای اداره امور کارخانه معین شده باشد، جوابگویی از دعوی با مدیر یا مدیران مذبور خواهد بود، بنابراین رأی شعبه هجدهم دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر صادر شده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۳/۷-۵۵۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

رسیدگی به درخواست صدور پروانه کمک دندان پزشکی تجربی و احراز شرایط متقاضی از جمله وظایف و اختیارات اداری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و جنبه ترافعی ندارد تا مستلزم رسیدگی در محاکم عمومی دادگستری باشد، بنابراین آراء صادره از شعب یازدهم و دوازدهم دادگاه حقوقی تهران که بر طبق شق یک ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۶۰ رسیدگی را در صلاحیت دیوان عدالت اداری تشخیص داده اند صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۳/۲۱-۵۵۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند دو ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهرماه ۱۳۵۸، رسیدگی به دعوی راجع به وصیت را علی الاطلاق در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار داده، که شامل دعوی عدم نفوذ وصیت به زیاده بر ثلث موضوع ماده ۸۴۲ قانون مدنی نیز می شود و رسمی یا غیررسمی بودن وصیتنامه تأثیری در صلاحیت دادگاه ندارد، بنابراین رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۳/۲۱-۵۶۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دعوی الزام به تنظیم سند رسمی نکاحنامه و ثبت واقعه ازدواج در دفاتر رسمی، از متفرعات دعوی راجع به نکاح می باشد و رسیدگی آن بر طبق بند دو ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهرماه ۱۳۵۸ در صلاحیت دادگاه مدنی خاص است، بنابراین رأی شعبه دهم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قضایی است. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۰/۳/۲۸-۵۶۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۴۱۷ قانون تجارت حکم ورشکستگی تاجر را موقتاً قابل اجراء شناخته است. در بند دو و بند سه ماده ۴۲۳ قانون تجارت هم تصریح شده که تأديه هر قرض تاجر ورشکسته اعم از حال یا مؤجل، به هر وسیله که به عمل آمدہ باشد و هر معامله که مالی از اموال منقول و غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود باطل و بی اثر است، بنابراین در هرورد که بعد از تاریخ توقف حکمی مستقیماً علیه تاجر متوقف در مورد بدھی او به بعضی از بستانکاران وی صادر و اجراء شود، کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات مربوط که متنضم خرر سایر طلبکاران تاجر ورشکسته می باشد مشمول ماده ۴۲۳ قانون تجارت بوده و باطل و بی اعتبار است، فلذا آراء صادره از شعب ۱۷ و ۱۸ دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۳/۲۸-۵۶۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۳۴ قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب تیرماه ۱۳۶۸، به شاکی یا مدعی خصوصی حق داده است که نسبت به حکم برائت متهم در صورت وجود جهات تجدیدنظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴ مهرماه ۱۳۶۷ تجدیدنظر بخواهد و مقررات این ماده شامل موردی نمی شود که دادگاههای کیفری پس از تشخیص نوع جرم، حکم بر محکومیت متهم صادر نمایند، بنابراین رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور که درخواست تجدیدنظر اولیاء دم از حکم محکومیت متهم به پرداخت دیه را نپذیرفته صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۷۰/۳/۲۸-۵۶۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به ماده اول قانون دیات مصوب ۲۴ آذرماه ۱۳۶۱ که مقرر می‌دارد "دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجني علیه یا به اولیاء دم او داده می‌شود" و با توجه به مفهوم مخالف جمله ذیل تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب تیرماه ۱۳۶۸، چنانچه بر اثر تصادم بین دو وسیله نقلیه موتوری رانندگان آنها فوت شوند و تعقیب کیفری راننده متخلف موقوف باشد، رسیدگی به دعوی اولیاء دم یکی از راننده‌ها علیه ورثه راننده دیگر از آن جهت که جنبه مالی دارد در صلاحیت دادگاه‌های حقوقی است، بنابراین رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر صادر شده صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحد قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۴/۱۸-۵۶۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۵ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴ مهرماه ۱۳۶۷، مرجع تجدیدنظر احکام دادگاهها را که توسط دیوان عالی کشور نقض شده، دادگاه همعرض دادگاه صادر کننده حکم اولی قرار داده است، بنابراین دادگاه اولی که صادر کننده حکم منقوض بوده نمی تواند مرجع رسیدگی تجدیدنظر پس از نقض حکم باشد، هرچند که قاضی جدیدی برای دادگاه مذبور تعیین شده باشد، فلذارأی شعبه یازدهم دیوان عالی کشور که دادگاه اولی را صالح به رسیدگی پس از نقض حکم نشناخته صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۴/۱۸-۵۶۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در دعوی مؤجر عليه مستأجر جزء به خواسته الزام به تنظیم اجاره نامه که به استناد ذیل ماده ۱۰ قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب دوم خرداد ماه ۱۳۵۶ اقامه می شود، طرف دعوی قراردادن مستأجر کل هم در مواردی ضرورت دارد که برای احراز رابطه استیجاری فیما بین مستأجر جزء و مستأجر کل و قطع رابطه استیجاری مستأجر کل با مؤجر لازم باشد، بنابراین آراء شعب ۷ و ۳۷ دادگاه حقوقی یک تهران که با احراز قطع رابطه مستأجر کل با مؤجر صادر شده، در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آینین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۷۰/۷/۲-۵۶۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اصل ۱۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد رویه قضایی را از اختیارات دیوان عالی کشور قرار داده و دیوان عالی کشور با نقض و ابرام احکام محاکم نظارت قانونی خود را اعمال و رویه قضایی ایجاد می کند، اقدام دادگاه های کیفری در صدور رأی اصراری و مخالفت با اعمال نظارت قانونی دیوان عالی کشور ایجاب می نماید که موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و مورد بررسی قرار گیرد، ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری هم که اعتبار قانونی و قدرت اجرایی دارد بر این اساس تصویب شده و دادگاهها را مکلف ساخته که بر طبق نظر هیأت عمومی اقدام نمایند، بنابراین رأی شعبه ۲۸ دیوان عالی کشور دایر به ضرورت تشکیل هیأت عمومی کیفری برای رسیدگی به پرونده های اصراری کیفری صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۹/۱۹-۵۶۷

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۹ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴ مهرماه ۱۳۶۷ که تکلیف قاضی صادر کننده حکم را نسبت به درخواست متقاضی تجدیدنظر معین نموده، ناظر به موردی است که خدمت قاضی در همان دادگاه ادامه داشته باشد، اما اگر قاضی به محل دیگری منتقل شده و یا به هر عنوان دیگر در شغل قضایی سابق خود نباشد، اعمال ماده مرقوم مورد پیدا نمی‌کند و پرونده باید برای رسیدگی به مرجع تجدیدنظر ارسال شود، بنابراین رویه شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحد قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۹/۱۹-۵۶۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل یکصد و پنجاه و نهم، دادگستری را مرجع رسمی تظلمات و شکایات قرار داده و بر اساس این اصل، رسیدگی به دعوی راجع به معامله نسق زراعتی در صلاحیت دادگاه های عمومی دادگستری است، بنابراین رأی شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور که دادگستری را صالح به رسیدگی شناخته صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۰/۱۰/۱۰-۵۶۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دادگستری مرجع رسیدگی به تظلمات و شکایات می باشد و اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این امر تأکید دارد. الزام قانونی مالکین به تقاضای ثبت ملک خود در نقاطی که ثبت عمومی املاک آگهی شده، مانع از این نمی باشد که محاکم عمومی دادگستری به اختلاف متداعین در اصل مالکیت ملکی که به ثبت نرسیده رسیدگی نمایند، بنابراین رأی شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۱۰-۵۷۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بر طبق تبصره ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب تیرماه ۱۳۶۸، آراء دادگاه های حقوقی یک که در مقام رسیدگی تجدیدنظر نسبت به آراء دادگاه های حقوقی دو صادر می شود، به درخواست متداعین قابل رسیدگی تجدیدنظر مجدد نیست و بنابراین قرار صادره از دادگاه حقوقی یک هم که مرجع رسیدگی تجدیدنظر بوده، قابل رسیدگی تجدیدنظر در دیوان عالی کشور نمی باشد و رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۷۰/۱۱/۱-۵۷۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جرائم ارتشاء که مجازات آن در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب پانزدهم آذرماه ۱۳۶۷ و تبصره های مربوطه به تناسب قیمت مال یا وجه مأخوذه معین شده، از جرائم عمومی می باشد و رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه های عمومی دادگستری است. ماده ۴ این قانون ناظر به تشدید مجازات کسانی می باشد که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء مبادرت نمایند و تشدید مجازات تأثیری در صلاحیت دادگاه های عمومی ندارد، اما چنانچه دادگاه تشخیص دهد که تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری برای اخلال در نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، مورد مشمول ذیل ماده مرقوم می گردد و رسیدگی با دادگاه های انقلاب اسلامی خواهد بود، بنابراین رأی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تشدید مجازات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۰/۱۱/۵۷۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

در ماده دوم قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب هفدهم مرداد ماه ۱۳۶۳ تصریح شده که دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم به مشروعيت می باشد و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود. طرق تحصیل اموال نامشروع هم که باید در دادگاه به اثبات بررسد در این قانون معین شده و شامل موردی نمی شود که سازمان دولتی برای تسهیل در انجام خدمات اداری کارمند خود مزایایی منظور و به او داده باشد، بنابراین رأی شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور که این نوع مزایای شغلی را نامشروع ندانسته و مشمول قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی نشناخته صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۰/۱۱/۵۷۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جرائم مذکور در ماده ۱۰۴ قانون تعزیرات از جرائم عمومی می باشد و رسیدگی آنها در صلاحیت دادگاه های عمومی دادگستری است. ماده ۵ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشنده‌گان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می کند و تبصره یک آن مصوب بیست و هشتم اسفند ماه ۱۳۶۵ ناظر به معدهم کردن فیلم و عکس و پوستر موضوع ماده ۱۰۴ قانون تعزیرات و در اختیار دولت قرار گرفتن وسایل ضبط و تکثیر (ویدئو، وسایل تکثیر ...) می باشد که از آثار و تبعات اجرای حکم دادگاه است و صلاحیت دادگاه های عمومی را نفی نمی کند. بنابراین رأی شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور که رسیدگی به این جرائم را در صلاحیت دادگاه های عمومی دادگستری شناخته صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الایقاع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۱/۲/۱۵-۵۷۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند یک ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب اول مهرماه ۱۳۵۸، رسیدگی به دعوی راجع به مهر را در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار داده، که علی الاطلاق شامل هر نوع دعوی راجع به مهر و از آن جمله دعوی مطالبه مهر نیز می شود، بنابراین رأی شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می گردد. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۱/۲/۲۹-۵۷۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دعوی مالکیت اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اموالی که با حکم دادگاه های انقلاب اسلامی مصادره شده از جمله دعاوی حقوقی می باشد که رسیدگی آن در صلاحیت خاصه دادگاه های عمومی حقوقی است و دادگاه های انقلاب اسلامی بر اساس حکم قطعی دادگاه های حقوقی که بر مالکیت مدعی صادر شود مستنداً به اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون نحوه اجرای آن مصوب ۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۳ در مورد رد مال به صاحب آن اقدام می نمایند، بنابراین آراء شعب ۲۲ و ۲۳ و ۳۲ دیوان عالی کشور که رسیدگی به دعوی مالکیت اشخاص را در صلاحیت دادگاه های حقوقی تشخیص نموده اند صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۱/۷/۱۴-۵۷۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اماکن استیجاری مطب پزشکان که برای عرضه خدمات علمی و تخصصی پزشکی و معالجه بیماران مورد استفاده واقع می شود، محل کسب و پیشه یا تجارت محسوب نمی گردد تا حق کسب و پیشه یا تجارت به آن تعلق گیرد. تخلیه این اماکن هم مشمول مقررات قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب سیزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ و ماده ۴۹۴ قانون مدنی و شرایط بین طرفین در ضمن عقد اجاره است، بنابراین رأی شعبه پنجم دادگاه حقوقی یک اهواز که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۱/۷/۲۱-۵۷۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

احکام دادگاه های کیفری در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم که به تبع امر کیفری صادر می شود به درخواست محاکوم علیه و در موارد مصريحه در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴ مهرماه ۱۳۶۷ قابل تجدیدنظر می باشد و با وصول درخواست تجدیدنظر از طرف محاکوم علیه، اجرای حکم بر طبق ماده ۱۱ قانون مذبور تا اتخاذ تصمیم مرجع نقض متوقف می گردد. اجرای حکم ضرر و زیان ناشی از جرم هم با درخواست مدعی خصوصی و پس از قطعیت حکم است و در صورت امتناع محاکوم علیه، اموال او توقيف یا حبس می گردد، بنابراین دستور بازداشت محاکوم علیه در ضمن حکم کیفری که به مرحله قطعیت نرسیده برای امکان وصول ضرر و زیان و خسارات مدعی خصوصی صحیح نبوده و استناد دادگاه به ماده ۱۳۹ قانون تعزیرات هم در چنین موردی صحیح نیست، فلذا رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که نتیجتاً با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائي مصوب هفتم تيرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۷۱/۷/۲۸-۵۷۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده اول قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴ مهرماه ۱۳۶۷، احکام دادگاه‌ها و نیز قوارها را در مواردی که قانون معین نموده قابل تجدیدنظر شناخته است. ماده ۴ این قانون هم دادگاه‌های کیفری یک را مرجع تجدیدنظر و نقض و صدور حکم در مورد احکام دادگاه‌های کیفری دو قرار داده که مبین نظر قانونگذار به ضرورت رسیدگی به امور کیفری در دادگاه‌های کیفری دو و کیفری یک در دو مرحله ماهوی است و بر اساس این نظر، پس از نقض قرار دادگاه کیفری دو در دادگاه کیفری یک، ایجاب می نماید که پرونده برای رسیدگی ماهوی مرحله نخستین به دادگاه صادر کننده قرار اعاده گردد، زیرا رسیدگی دادگاه کیفری یک به اصل موضوع پس از نقض قرار، موجب تفویت حق متداعین در استفاده از دو مرحله رسیدگی ماهوی می شود و خلاف قانون است، بنابراین رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که رسیدگی به اصل موضوع را پس از نقض قرار در صلاحیت دادگاه صادر کننده قرار تشخیص نموده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب هفتم تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۱/۷/۲۸-۵۷۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند یک ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب سوم آذرماه ۱۳۶۴ راجع به تقسیم ترکه ناظر به موردي است که اموال مورد درخواست تقسیم، متعلق به مورث اعلام و تقسیم آن به قدر السهم ورثه تقاضاشود، لیکن اگر راجع به این اموال ادعای مالکیت مطرح گردد و در مالکیت مورث حین الفوت او اختلاف شود دعوى مالکیت بر طبق بند سوم ماده مرقوم از دعاوی مالی محسوب و صلاحیت دادگاه تابع بهای خواسته و نصاب قانونی دادگاه های حقوقی یک و دو خواهد بود، بنابراین رأی شعبه اول دادگاه حقوقی یک ساری که رسیدگی به درخواست تقسیم ترکه و دعوى مالکیت راجع به آن را بر مبنای بهای خواسته، در صلاحیت دادگاه های حقوقی یک تشخیص نموده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۱/۱۱/۲۷-۵۸۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۸ صلاحیت دادگاه کیفری دو را منحصرأ به رسیدگی جرایمی قرار داده که مجازات آنها غیر از کیفرهای مذکور در ماده هفت این قانون و تبصره های آن باشد.

لزوم رعایت قواعد راجع به صلاحیت دادگاه ها که از اصول مهمه دادرسی می باشد ایجاب می نماید که اگر دادگاه کیفری دو به جرمی که در صلاحیت خاصه دادگاه کیفری یک می باشد رسیدگی کند و حکم صادر نماید، دادگاه کیفری یک در مقام مرجع صالح نقض، مستنداً به بند الف ماده ۱۰ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴ مهر ۱۳۶۷، حکم مذبور را با نفی صلاحیت دادگاه نقض کند و سپس بر طبق ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور، رسیدگی اولیه را انجام دهد و حکم مقتضی صادر نماید.

در چنین حالتی حکم دادگاه کیفری یک مانند سایر احکام ماهوی اولیه دادگاه مذبور و در موارد مذکور در مادتین ۶ و ۸ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی آنها قابل رسیدگی تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است، بنابراین رأی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور که نتیجتاً بر این اساس صادر شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب هفتم تیرماه ۱۳۶۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۷۱/۱۲/۵۸۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به فرمان مبارک امام راحل رضوان الله تعالیٰ عليه و مصوبه بیست و هفتم خرداد ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب تشکیل شده اند بر طبق اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحت نظارت دیوان عالی کشور به جرایمی که در اصل چهل و نهم قانون اساسی و قانون حدود صلاحیت دادسراه‌ها و دادگاه‌های انقلاب مصوب یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی معین شده رسیدگی می‌نمایند و صلاحیت آنها نسبت به صلاحیت دادگاه‌های عمومی دادگستری اعم از حقوقی و کیفری از نوع صلاحیت ذاتی است.

احکام صادره از دادگاه‌های انقلاب در بعضی از موارد علاوه بر جنبه کیفری و مجازات مرتکب واجد جنبه حقوقی هم می‌باشد و اموال نامشروع او را نیز شامل می‌شود. در چنین موردی هر نوع ادعای حقی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به این اموال عنوان شود ولو به ادعای خارج بودن آن مال از دارایی نامشروع محکوم عليه باشد رسیدگی آن بر حسب شکایت شاکی و طبق ماده ۸ و تبصره ماده پنج قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی مصوب ۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۳ با دادگاه صادر کننده حکم می‌باشد و دادگاه انقلاب پس از رسیدگی اگر صحت ادعا را تشخیص دهد بر طبق ذیل اصل چهل و نهم قانون اساسی مال را به صاحبیش رد می‌کند و الایه بیت المال می‌دهد. بنا به مراتب مذبور هیأت عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور بر اساس ذیل ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۷ تیرماه ۱۳۶۸ در رأی وحدت رویه شماره ۱۳۷۱/۲/۵۷۵ تجدیدنظر نموده و با تغییر رأی مذبور رسیدگی به ادعای اشخاص حقیقی یا حقوقی را نسبت به اموالی که دادگاه‌های انقلاب نامشروع شناخته و مصادره



نموده اند در صلاحیت دادگاه های انقلاب تشخیص می دهد، بنابراین رأی شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۱/۱۲/۲-۵۸۲

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مطلوبه خرر و زیان ناشی از جرم که طبق تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۸ در دادگاه کیفری مطرح می شود، عنوان دعوی حقوقی دارد، شروع رسیدگی به دعاوی حقوقی در دادگاه های دادگستری هم به صراحت ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی مستلزم دادن دادخواست با شرایط قانونی آن می باشد، بنابراین رأی شعبه ۱۴۰ دادگاه کیفری یک تهران که مطالبه خرر و زیان ناشی از جرم را بدون دادن دادخواست نپذیرفته صحیح تشخیص می شود.
این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۲/۷/۶-۵۸۳

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

حکم قطعی مذکور در ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۶ که در جرایم تعزیری غیرقابل گذشت صادر می شود، اعم از حکمی است که دادگاه نخستین به صورت غیرقابل تجدیدنظر صادر کند و یا قابل تجدیدنظر بوده و پس از رسیدگی در مرحله تجدیدنظر اعتبار قطعیت پیدا نماید، بنابراین رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که دادگاه تجدیدنظر را مرجع صدور حکم قطعی و واجد صلاحیت برای رسیدگی به درخواست تخفیف مجازات مرتکب شناخته صحیح و با موازین قانونی مطابقت دارد.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۲/۷/۱۳-۵۸۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۴۸ اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب خرداد ماه ۱۳۵۲ با اصلاحاتی که بعد از انقلاب اسلامی ایران در قوانین کیفری به عمل آمد، نسبت به تعقیب جزایی متخلفین از پیمانهای ارزی قابل اعمال نیست و در قانون راجع به معاملات ارزی مصوب ۱۳۳۶ هم برای تعقیب کیفری متخلفین از مادتین ۵ و ۷ قانون مرقوم مهلت یا مدتی معین نشده، بنابراین رأی شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور که تعقیب جزایی متخلفین از پیمانهای ارزی را بدون رعایت مهلت قابل رسیدگی دانسته صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۲/۷/۱۳-۵۸۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دعوى خلع يد از اعيان غيرمنقول به صراحت بند ۳ ماده ۷ قانون تشكيل دادگاه های حقوقى يك و دو مصوب سوم آذرماه ۱۳۶۴، از دعاوى غيرمالي و رسيدگى آن در صلاحيت دادگاه های حقوقى دو مى باشد و دعوى خلع يد غاصبانه را نيز شامل مى شود، مگر اينكه در رسيدگى به اين نوع دعاوى براساس اظهارات طرفين در موقع رسيدگى در امر مالكيت اختلاف شود ، كه در اين صورت نصاب دادگاه های حقوقى معتبر است، بنابراين رأى شعبه سوم دیوان عالی کشور صحيح تشخيص مى شود.

اين رأى بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائي مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۲/۸/۱۱-۵۸۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها که از تاریخ ۲۷ شهریورماه ۱۳۷۲ لازم الاجراء می‌باشد، ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸ و تفسیر قانونی این ماده مصوب ۱۳۷۰ آذرماه را نسخ کرده، بدون اینکه نحوه رسیدگی به پرونده‌هایی را که قبل از تاریخ ۷۲/۶/۲۷ بر حسب درخواست یکی از مقامات مذکور در ماده ۳۵ در شعب دیوان عالی کشور مطرح می‌باشد تغییر دهد و نظر به اینکه ماده ۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد که اثر قانون نسبت به آتبیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد، در قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مقررات خاصی راجع به نحوه رسیدگی به پرونده‌های ماده ۳۵ موجود در شعب دیوان عالی کشور اتخاذ نشده، لذا نحوه رسیدگی به این نوع پرونده‌های ناتمام ماده ۳۵ کماکان تابع ضابطه مقرر در تفسیر قانونی ماده ۳۵ (در صورت نقض بصورت ماهوی) می‌باشد و رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور صحیح تشخیص می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۲/۱۰/۱۴-۵۸۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از ماده اول قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۳ و تبصره های آن و ماده ۶ قانون مذبور و تبصره مربوطه این است که رد عین مال موضوع قاچاق و پرداخت دو برابر درآمدی که طبق قانون برای دولت مقرر گردیده در مجموع، محکوم به مالی را علیه مرتکبین قاچاق تشکیل می دهد و نحوه وصول آن که در ماده ۱۰ قانون مجازات مرتکبین قاچاق معین شده، مانند نحوه اجرای سایر محکومیت های مالی می باشد و شامل تخفیف نمی شود، لیکن مجازات کیفری مرتکبین قاچاق تا دو سال حبس ممکن است مشمول تخفیف و ارفاق و یا معافیت مرتکب گردد، بنابراین رأی شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۲/۱۰/۱۴-۵۸۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۳۰ آیین نامه قانون مترجمان رسمی مصوب ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۸، اداره فنی دادگستری را مرجع تعقیب انتظامی مترجمان رسمی متخلّف شناخته تا بر طبق آیین نامه قانون کارشناسان رسمی اقدام نماید، در ماده سوم الحاقی به آیین نامه قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۴۱ هم تصریح شده که اداره فنی باید پرونده کارشناسان رسمی متخلّف را برای رسیدگی به دادگاه شهرستان حوزه وقوع تخلّف ارسال دارد، با این ترتیب مرجع تعقیب انتظامی مترجمان رسمی متخلّف، اداره فنی دادگستری و مرجع رسیدگی به تخلفات آنان بر اساس آیین نامه مصوب ۱۳۴۱ دادگاه شهرستان (دادگاه حقوقی یک حوزه وقوع تخلّف) می باشد و اجرای ماده ۲۷ لایحه قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸ در مورد عضویت مترجمان رسمی در این کانون تحقق نیافته است، بنابراین رأی شعبه ۱۹ دادگاه حقوقی یک تهران دایر به صلاحیت دادگاه که بر اساس این نظر صادر گردیده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۲/۱۱/۵-۵۸۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده چهارم لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب اول مهرماه ۱۳۵۸ منصرف از موردي است که دادگاه مدنی خاص در محلی تشکیل شود هرچند که دارای یک شعبه باشد، در چنین موردي اگر حکم شعبه مذبور در دیوان عالی کشور نقض شود دادگاه مرجع الیه نزدیکترین دادگاه مدنی خاص واقع در حوزه قضایی همان استان خواهد بود، بنابراین رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۲/۱۱/۵ - ۵۹۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مجازات های بازدارنده مذکور در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب هشتم مرداد ماه ۱۳۷۰، به ضرورت حفظ نظم و مصلحت اجتماع درباره کسانی اعمال می شود که مرتکب جرم عمدى شده و تعیین مجازات تعزیری مقرر در قانون برای تنبیه و تنبیه مرتکب کافی نباشد، که در این صورت دادگاه می تواند بطبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات بازدارنده را هم به عنوان تتمیم مجازات در حکم خود قید نماید و تعیین حد اکثر مجازات تعزیری مانع تعیین مجازات بازدارنده نمی باشد، بنابراین رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور که نتیجتاً با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۷۳/۱/۱۶-۵۹۱

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

خیانت در امانت از جرائم مضر به حقوق خصوصی و مصالح عمومی است. رضایت مدعی خصوصی یا استرداد شکایت، موضوع حق الناس را در جرم مزبور منتفی می‌سازد، لیکن به ضرورت مصلحت جامعه و حفظ نظم عمومی، تعزیر شرعی یا حکومتی مجرم لازم است، بنابراین رأی شعبه ۱۴۸ دادگاه کیفری یک تهران که در نتیجه با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ از طرف دادگاه‌ها باید در موارد مشابه پیروی شود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۳/۲/۶-۵۹۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۲ قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مصوب ۱۷ مرداد ماه ۱۳۷۲، برای تجدیدنظرخواهی از آراء دادگاه‌های حقوقی و کیفری موضوع ماده ۹ این قانون مهلت معین نموده، که در جهت تسريع در ختم پرونده‌ها و قطعیت بخشیدن به آراء دادگاه‌ها است. در قوانین آیین دادرسی هم برای اعتراض و تجدیدنظر نسبت به آراء دادگاه‌ها مدت و مهلت مقرر شده و تاکنون قانونی که علی الاطلاق رسیدگی به اعتراض یا تجدیدنظر از آراء دادگاه‌ها را بدون رعایت مدت و مهلت پیش‌بینی نموده باشد تصویب نشده است، بنابراین آراء سابق الصدور دادگاه‌ها که قبل‌آلا布اغ شده و از طرف اشخاص ذینفع مورد درخواست تجدیدنظر قرار نگرفته، از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مشمول مهلت مقرر در ماده ۱۲ این قانون می‌باشد، در نتیجه رأی شعبه دهم دیوان عالی کشور که درخواست تجدیدنظر خارج از این مهلت را نپذیرفته و رد کرده است صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۳/۹/۱-۵۹۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند ۳ ماده ۹ قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها که از تاریخ ۱۳۷۲/۶/۲۷ لازم الاجراء گردیده، آراء قابل تجدیدنظر دادگاه مدنی خاص را احصاء و ذکری از نفقة و حضانت و تمکین و ... ننموده است و چون طبق ماده ۱۸ قانون مزبور کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن قانون لغو گردیده، لذا آراء صادره، نسبت به دعاوی مذکور قابل تجدیدنظر نبوده، رأی شعبه ۳۰ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۳/۹/۱-۵۹۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸، انتقال دهنده‌گان مال غیر را کلاهبردار محسوب کرده و مجازات کلاهبرداری را در تاریخ تصویب آن قانون، ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی معین نموده بود و با تصویب تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۶۲، ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات از حیث تعیین مجازات کلاهبرداری جایگزین قانون سابق و سپس طبق ماده یک قانون تشديد مجازات مرتکبین ارتقاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، مجازات کلاهبرداری تشديد و برابر ماده ۸ همان قانون کلیه مقررات مغایر با قانون مجبور لغو گردیده است، لذا جرائمی که به موجب قانون کلاهبرداری محسوب شود از حیث تعیین کیفر مشمول قانون تشديد مجازات مرتکبین ارتقاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ بوده و رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحد قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۳/۱۲/۹-۵۹۵

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون به موجب ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق، تولید یا ورود و یا صدور مشروبات الکلی ممنوع بوده و مرتکبین آن وفق مقررات قانونی مستوجب کیفر هستند و از جمله مجازات مقرر، پرداخت جریمه می باشد، لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مورد با ماده مرقوم انطباق داشته و رأی شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور که بر مبنای اساس این نظر صادر گردیده موجه تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۳/۹/۱۲-۵۹۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به مقررات ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی، مناطق صلاحیت، تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در مواردی که خلاف آن مقرر گردد و چون طبق ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی، در هر حوزه قضایی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی و امور حسیبه با لحاظ قلمرو محلی با دادگاه‌های مزبور خواهد بود و رسیدگی دادگاه‌های عمومی نیز همانند رسیدگی دادگاه‌های حقوقی یک در مقام تجدیدنظر، رسیدگی ماهیتی است و در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ترتیبی بر خلاف اصل مذکور در ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی نشده و از طرفی دادگاه‌های تجدیدنظر مرکز استان طبق مادتین ۲۰ و ۲۱ قانون مرقوم فقط به منظور تجدیدنظر در آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب تأسیس می‌شود و آراء صادره از دادگاه‌های حقوقی دو قابل تجدیدنظر در دادگاه‌های تجدیدنظر مرکز استان نمی‌باشد، لذا رأی شماره ۱۴۹۸/۷۳/۱۱/۲۰-۱ رأی شماره ۷۳/۱۱/۲۰-۱ شعبه اول دیوان عالی کشور که مشعر بر صلاحیت دادگاه عمومی میانه است منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی طبق قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۴/۲/۱۲-۵۹۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مهلت یکسال مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت، جهت استفاده از حقی که ماده ۲۴۹ این قانون برای دارنده برات یا سفته منظور نموده، در مورد ((ظہرنویس)) به معنای مصطلح کلمه بوده و ناظر به شخصی که ظهر سفته را بعنوان ((ضامن)) امضاء نموده است نمی باشد، زیرا با توجه به طبع ضمان و مسئولیت ضامن در هر صورت (بنا بر قول خصم ذمه بذمه یا نقل آن) در قبال دارنده سفته یا برات، محدودیت مذکور در ماده ۲۸۹ قانون تجارت درباره ضامن مورد نداشته، بنابراین رأی شعبه بیست و سوم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۴/۲/۱۲-۵۹۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون به صراحت قسمت اخیر ماده ۱۲ قانون تشکیل محاکم جنایی، در مواردی که رئیس دادگاه، در اجرای ماده ۹ قانون مرقوم، برای متهم وکیل تسخیری تعیین می‌نماید، مدت اعتراض در هر حال اعم از اینکه متهم بعداً وکیل دیگر تعیین کند یا نه، از همان تاریخ ابلاغ به وکیل تسخیری مذکور احتساب خواهد شد و به این ترتیب قانونگذار برای وکیل تسخیری حق تجدیدنظرخواهی قائل شده است، لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که متنضم این معنا است صحیح تشخیص می‌گردد.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ صادر و در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۴/۴/۱۳-۵۹۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بر اساس ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب بهمن ماه هزار سیصد و شصت و هفت، تغییر تاریخ تولد اشخاص به کمتر از پنج سال ممنوع می باشد و رسیدگی به درخواست تغییر سن بیش از پنج سال نیز به تجویز تبصره همین قانون منحصراً به عهده کمیسیون مقرر در آن محول شده است. بنایه مراتب به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه ششم که مرجع رسیدگی و اظهارنظر نسبت به درخواست تغییر تاریخ تولد کمتر از پنج سال را دادگاه های دادگستری اعلام نموده است منطبق با قانون و صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۴/۷/۴-۶۰۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه مفاد ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در خصوص آرائی که قابل تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است، بلحاظ اهمیت خاصی که قانونگذار به حفظ و صیانت دماء نفوس قائل است، نظر به مجازات مندرج در قانون داشته نه کیفری که مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد و قابلیت تجدیدنظر آراء این دادگاه‌ها نسبت به موارد مذکور در ماده ۲۱ مرقوم، مشروط به محکومیت نیست، بلکه به طور اطلاق ناظر است به محکومیت یا برائت و طبق بند ب ماده ۲۶ قانون مزبور از جمله اشخاصی که در موارد مذکور در این قانون حق درخواست تجدیدنظر دارند شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او می‌باشد و اعمال این حق در مورد حکم برائت منع صریح قانونی ندارد، بنابر این پذیرش صلاحیت رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از برائت متهم به قتل در شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور منطبق با جهات قانونی تشخیص و به اکثریت آراء تأیید می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۷۴/۷/۲۵-۶۰۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

رأی دادگاه حقوقی یک در مقام رسیدگی به شکایت از رأی قاضی موضوع ((ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع)) مصوب ۱۳۶۷ اصطلاحاً ((رسیدگی به اعتراض)) می باشد نه ((تجددینظر)) و عنوان ((تجددینظر)) در ماده ۹ آیین نامه اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون مذکور، پس از کلمه ((اعتراض)) از باب تسامح در تعبیر است، بنابراین با عنایت به مقررات موضوعه وقت (قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو و قانون تجدیدنظر آراء دادگاه ها) واصل قابل تجدیدنظر بودن آراء دادگاه های حقوقی یک در دیوان عالی کشور، تصمیم شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح و با اکثریت آراء تأیید می گردد.

این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی، برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۷۴/۱۰/۲۶-۶۰۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

حدود صلاحیت و اختیارات دیوان عدالت اداری که بر اساس اصل یکصدو هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل گردیده، در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۶۰ معین و مشخص شده و مبتنی بر رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارت‌خانه‌ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و نیز تصمیمات و اقدامات مأمورین واحدهای مذکور در امور راجع به وظایف آنها است و به صراحت مواد ۴ و ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶ و تبصره ذیل ماده ۵ قانون مزبور و قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۹/۴/۱۳۷۳ و قانون ملی شدن بانک‌ها و نحوه اداره امور بانکها و متمم آن مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، بانک ملی شرکتی دولتی محسوب و واجد شخصیت حقوقی مستقل است و با این وصف شکایت آن نسبت به آراء صادره از هیأت‌های حل اختلاف مستقر در وزارت کار و امور اجتماعی، موضوع ماده ۱۵۹ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹، قابل طرح در دیوان عدالت اداری نیست، بنابراین رأی شعبه اول دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص و تأیید می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۴/۱۲/۱۵-۶۰۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه در نقاطی که قانون اصلاحات ارضی به مورد اجراء گذاشته نشده ، علی الاصول قانون مدنی و یا قوانین دیگر در خصوص ارتباط با اثبات مالکیت معتبر و مجری است و دادگاه نمی تواند اسناد و مدارکی را که خواهان برای اثبات دعوی به آن تمسک جسته به این استدلال که (تا اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و مشخص شدن نسق واقعی متصرفین، احراز مالکیت میسر نمی شود) نادیده گرفته، دعوی را رد نماید، لذا رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده موجہ و مطابق با موازین قانونی است.

این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۴/۱۲/۲۲-۶۰۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به تعریف کارگر در ماده دو قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ و با توجه به حقوق و تکالیفی که در قانون مذکور برای کارگر و پیمانکار ملحوظ گردیده، مطالبه دستمزد و حقوق پیمانکار نسبت به کار انجام شده بر اساس قرارداد تنظیمی که مستلزم امعان نظر قضایی است، انطباقی با اختلاف بین کارگر و کارفرما نداشته و موضوع با توجه به شرح دعاوی مطروحه و کیفیت قراردادهای مستند دعوی از شمول ماده ۱۵۷ قانون کار خارج و بالنتیجه رسیدگی به موضوع در صلاحیت محاکم عمومی است، بنا به مراتب رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور که بر این اساس صدور یافته صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۵/۱/۱۴-۶۰۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به مدلول مادتین ۳ و ۴ قانون آیین دادرسی مدنی و عمومات قانونی و اینکه اساساً اختلاف بین دادگاه‌ها در امر صلاحیت در مرجع قضایی عالی تر مطرح و حل اختلاف می‌گردد و ماده ۳۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب بر این اساس ناظر به اختلاف دو دادگاه عمومی واقع در حوزه قضایی یک استان است و در مسئله مختلف فیه، دادگاه تجدیدنظر استان و دادگاه عمومی هر دو از خود نفی صلاحیت کرده‌اند، لذا رأی شعبه اول دیوان عالی کشور در این حد که مشعر بر قابل طرح بودن مورد اختلاف در دیوان عالی کشور می‌باشد منطبق با موازین قانونی تشخیص و مورد تأیید می‌باشد.

این رأی به موجب ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۵/۳/۱-۶۰۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه دعوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم عنوان حقوقی دارد، در مواردی که دادگاه ضمن رسیدگی به امر کیفری به دعواهی ضرر و زیان ناشی از جرم هم رسیدگی می نماید، با توجه به اطلاق بند ۵ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، هرگاه خواسته ضرر و زیان ناشی از جرم بیش از مبلغ بیست میلیون ریال باشد، مرجع تجدیدنظر آن دیوان عالی کشور خواهد بود و با مستفاد از عبارت ذیل تبصره ماده ۳۱۶ از قانون آیین دادرسی کیفری، حکم جزایی هم در این موارد به تبع امر حقوقی قابل رسیدگی تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است. بنابراین رأی شعبه یازدهم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده موافق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای تمام محاکم و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۵/۶/۲۰-۶۰۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه شغل و کالت دادگستری تابع قانون خاص بوده و طبق آیین نامه و مقررات مربوط به خود دفتر آن محلی است برای پذیرایی موکلین و تنظیم امور وکالتی، که در واقع به اعتبار شخص وکیل اداره می شود نه به اعتبار محل کار و نیز در زمرة هیچ یک از مشاغل احصاء شده در ماده دو قانون تجارت نبوده و بلحاظ داشتن مقررات خاص به موجب تبصره یک ماده دو قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۴/۵۹ شورای انقلاب اسلامی از شمول مقررات نظام صنفی مستثنی می باشد، لذا به اقتضای مراتب فوق دفتر وکالت دادگستری را نمی توان از مصاديق محل کسب و پیشه و تجارت و مشمول قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ دانست، بلکه مشمول عمومات قانون مدنی و قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۶۲ می باشد، علیهذا به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور آراء صادره از دادگاه های حقوقی اهواز و بندرعباس که بر تخلیه محل مورد اجاره (دفتر وکالت) اصدار یافته صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از قانون مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۵/۶/۲۷-۶۰۸

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه صدور چکهای بلا محل و وعده دار و تضمینی و غیره، موضوع مواد ۳، ۷، ۱۰ و ۱۳ قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ و اصلاحی آن در سال ۱۳۷۲، در صورتی که از جانب یک نفر انجام شده باشد از نوع جرائم مختلف نبوده، بلکه جرائم مشابهی هستند که در کلیه آنها با گذشت شاکی خصوصی و یا پرداخت وجه چک، تعقیب مشتکی عنہ موقوف می شود، لذ تعیین مجازات برای متهم با عنایت به اینکه مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مجازات عمومی سابق منسوخه می باشد، بایستی بر طبق قسمت ۴ ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی به عمل آید و در نتیجه تعیین مجازات های جداگانه برای هریک از جرائم فوق خلاف منظور مقتن است، و همچنین تعیین مجازات برای متهم به بیش از حد اکثر مجازات مقرر در قانون بدون اینکه نص صریحی در این خصوص وجود داشته باشد فاقد وجاهت قانونی است، بنا به مراتب فوق آراء صادره از شعب ۳ و ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی به موجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ صادر و برای کلیه دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۵/۶/۲۷-۶۰۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی به ویژه با لحاظ مستفاد از بندهای ۷ و ۸ آن بر غیر قابل تجدیدنظر بودن آراء دادگاه های عمومی در دعاوی که خواسته آن غیرمالی است دلالت ندارد، بنابراین و با عنایت به مواد ۲۰ و ۲۱ قانون مذکور و پیشینه امر، به شرح قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب ۱۳۶۴ و قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷ و قانون تجدیدنظر آراء دادگاه ها مصوب ۱۳۷۲ رأی شماره ۱۳۷۴/۷/۳۰-۱/۱۱۹/۷۴ صادره از شعبه اول دادگاه استان زنجان، در حدی که رأی دادگاه عمومی را در دعوی غیر مالی قابل تجدیدنظر دانسته و مورد رسیدگی مجدد قرار داده است با اکثریت قریب به اتفاق آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص و اعلام می شود این رأی وفق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۵/۸/۸-۶۱۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق تبصره ذیل ماده ۳ قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲، در مواردی که دادگاه حقوقی یک به دعاوی در صلاحیت دادگاه حقوقی دو رسیدگی می‌نماید مرجع تجدیدنظر شعبه دیگر همان دادگاه و در صورت نبودن شعبه دیگر نزدیکترین دادگاه هم عرض است و حکم صادره از دادگاه حقوقی یک سراب نیز در اجرای تبصره مذبور به دادگاه حقوقی یک اردبیل ارجاع و شعبه ۸ دادگاه عمومی این محل رسیدگی به درخواست تجدیدنظر را ادامه داده و چون طبق ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی صلاحیت دادگاه عمومی اردبیل تثیت گردیده، لذا بر این اساس تشکیل دادگاه عمومی در سراب و تأسیس استان اردبیل و انتزاع شهرستانهای تابعه این استان از حوزه قضائی استان آذربایجان شرقی که متعاقب ترتیبات فوق الذکر عملی شده، صلاحیت دادگاه عمومی اردبیل را نفی نمی‌نماید، بنا به مراتب رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح و موافق با موازین قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً مذکورات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۷۵/۸/۸-۶۱۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳، مرجع تجدیدنظر آراء دادگاه های عمومی و انقلاب هر شهرستان، دادگاه تجدیدنظر مرکز همان استان است، مگر در موارد مندرج در همان ماده که مرجع رسیدگی تجدیدنظر را دیوان عالی کشور قرار داده است و با توجه به بند (ب) ماده الحاقی به قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۴۹ که مقرر داشته: آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و پژوهش و فرجام تابع قانون مجری در زمان صدور آن می باشد، بنابراین آراء دادگاه های عمومی که در زمان حکومت قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اصدار یافته، ولو اینکه سابقه رسیدگی و نقض در دیوان عالی کشور داشته باشد، با رعایت میزان خواسته قابل رسیدگی تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر مرکز استان مربوطه می باشد، علیهذا رأی شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۵/۱۰/۱۸-۶۱۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده ۱۶ آیین نامه قانونی کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰، ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و همچنین اشخاص ذینفع که آراء هیأت تحقیق را به ضرر خود تشخیص می‌دهند می‌توانند در دادگاه‌های دادگستری اقامه دعوى نمایند و چنین دعوائی که به طرفیت متولی موقوفه و یا ادارات اوقاف و یا اشخاص طرح می‌گردد، تابع قواعد عمومی راجع به دعاوی حقوقی است و ملازمه با محل استقرار شعب تحقیق صادر کننده رأی ندارد و چون موقوفات مربوط به دعاوی مطروحه در حوزه قضایی تویسرکان واقع‌اند، رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم همان محل است، لذا رأی شعبه سی ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح تشخیص و مورد تأیید می‌باشد.

این رأی باستناد ماده واحد قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۵/۱۰/۱۸-۶۱۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مقصود قانونگذار از وضع ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی به قرینه عبارات مذکور در آن، ممانعت از تضییع حقوق افراد و جلوگیری از اجرای احکامی است که به تشخیص دادستان کل کشور مغایر قانون و یا موازین شرع اسلام صادر شده است و چنین احکامی اعم است از آنکه موجب عدم دسترسی به حقوق شرعی و قانونی افراد باشد و یا آنان را بر خلاف حق به تأدیه مال و یا انجام امری مکلف نماید و خصوصیتی برای محکوم عليه در اصطلاح و رویه متداول قضایی نیست و بر این اساس مفاد کلمه ((محکوم عليه)) در ماده مذبور شامل خواهان و یا شاکی که ادعای او رد شده باشد نیز می‌شود، علیهذا رأی شعبه نهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۵/۱۱/۳۰-۶۱۴

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه بند (ب) از فراز دو ماده ۲۶ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ برای شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او حق درخواست تجدیدنظر از احکام کیفری دادگاه های عمومی قائل شده است و این حق علی الاطلاق شامل اعتراض به حکم برائت یا حکم محکومیت هر دو می باشد و نظر به اینکه دادگاه های تجدیدنظر مرکز استان به موجب صدر ماده ۲۲ قانون مذبور تنها به اموری که قانوناً در صلاحیت آنان قرار گرفته رسیدگی می نمایند و بدیهی است که این امور شامل موارد مفصله در ذیل ماده ۲۱ قانون مرقوم نمی گردد، علیهذا رأی شعبه بیستم دیوان عالی کشور که بر این مبنای اصدار یافته و به درخواست تجدیدنظر شاکی خصوصی از حکم برائت متهم به ارتکاب لواط رسیدگی و اظهارنظر نموده منطبق با موازین قانونی تشخیص می گردد. این رأی بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۶/۱/۱۹-۶۱۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۲۷ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب تیرماه ۱۳۱۰، به طور اطلاق پذیرش تقاضای ثبت ((ابداع هر محصول صنعتی جدید و کشف هر وسیله جدید یا اعمال وسایل موجوده به طریق جدید، برای تحصیل یک نتیجه یا محصول)) را جهت استفاده از مزایای مقرر در ماده ۲۶ این قانون تجویز نموده، که بالنتیجه ناظر به ابداعات و اختراعات و اکتشافات دارویی نیز می باشد. بند ۳ ماده ۲۸ قانون موصوف ((فرمولها و ترتیبات دوایی)) صرفاً ناظر به مواد و اجزاء تشکیل دهنده هر دارو بوده و منصرف از موارد مذکور در ماده ۲۷ قانون ثبت علائم و اختراعات است. نظر به اینکه خواسته دعاوی مطروحه در شعب اول و سوم دیوان عالی کشور ((ثبت طریقه تهیه مواد و ترکیبات دارویی جدید)) در حدود مفاد ماده ۲۷ قانون فوق الذکر می باشد، بنابراین رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که مآلاً متضمن این معنی است موافق با موازین قانونی تشخیص و با اکثریت قریب به اتفاق آراء تأیید می گردد.

این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۶/۳/۶-۶۱۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده ۵ قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب اسفند ماه سال ۱۳۳۶ و تبصره یک آن، صادر کنندگان کالا بایستی در موقع صدور، متعهد شوند که ارز حاصل از صادرات خود را به ایران انتقال داده و به بانک های مجاز دولتی بفروشند و مطابق ماده ۷ قانون مذکور تخلف از مفاد پیمان که اصطلاحاً پیمان یا تعهد ارزی نامیده می شود، جرم محسوب می گردد و ماده ۱۳ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۷۲ که صادر کنندگان کالا (به استثنای نفت خام و فرآورده های پایین دستی آن) را از تعهد ارزی معاف نموده، به معنای جرم ندانستن عمل و یا تخفیف در مجازات مقرره نیست تا مشمول ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی گردیده از مجازات معاف شود، بلکه صرفاً ناظر به عدم انعقاد پیمان ارزی در همان سال ۱۳۷۲ می باشد، به خصوص که ماده اخیر الذکر عدم اعمال مفاد آن را در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاص وضع گردیده با صراحة قید کرده است، علیهذا رأی شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که متضمن نقض حکم برائت متخلف از تعهد ارزی و محکومیت وی می باشد، نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی که به استناد ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ صادر گردیده، برای کلیه دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۶۱۷/۴/۳-۱۳۷۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵، یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقнن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ماده ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابوین طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است، لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید با استفاده از عمومات و اطلاق مواد یاد شده و مسئله ۳ و مسئله ۴ از موازین قضایی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان الله تعالى علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی و نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است و لذا رأی شعبه سی ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور موجه و منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص می گردد.

این رأی باستناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۶/۶/۱۸-۶۱۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستتبط از ماده واحده الحقی به قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۶۵ این است که قانون مذبور ناظر به عقود اجاره ایست که بعد از تصویب آن قانون و ابتدائاً منعقد می شوند و شامل اماکن تجاری که سابقه اجاره به تاریخ قبل از تصویب قانون فوق الذکر داشته اند نمی شوند و لذا در مورد دعاوی مطروحه که به دلالت اسناد واوراق پرونده مسبوق به رابطه استیجاری به تاریخ قبل از تصویب ماده واحده قانون مذکور می باشند و تنظیم اجاره نامه های جدید فی الواقع و نفس الامر به منظور تمدید و تجدید اجاره قبلی بوده است، صدور اجرائیه از جانب دفتر اسناد رسمی مبنی بر تخلیه این قبیل محل کسب و پیشه مخالف قانون است و به این کیفیت رأی دادگاه حقوقی یک تهران که بر تأیید حکم دادگاه حقوقی دو اصدار یافته و مبتنی بر ابطال اجرائیه صادره در این زمینه می باشد صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی بموجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۶/۸/۶-۶۱۹

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات واردہ به اعضاء بدن دیه تعیین نشده باشد. در ماده ۴۴۲ قانون مزبور برای شکستگی استخوان اعم از آن که بهبودی کامل یافته و یا عیب و نقص در آن باقی بماند، دیه معین شده است که حسب مورد همان مقدار باید پرداخت گردد. تعیین مبلغی زائد بر دیه با ماده مرقوم مغایرت دارد. علیهذا نظر شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر مرکز استان صحیح و منطبق با قانون می باشد.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۶/۸/۲۰-۶۲۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مطابق مواد قانون مدنی، گرچه رهن موجب خروج عین مرهونه از مالکیت راهن نمی شود لکن برای مرتضی می باشد که مال مرهونه حق عینی و حق تقدم ایجاد می نماید که می تواند از محل فروش مال مرهونه طلب خود را استیفاء کند و معاملات مالک نسبت به مال مرهونه در صورتی که منافی حق مرتضی باشد نافذ نخواهد بود، اعم از اینکه معامله راهن بالفعل منافی حق مرتضی باشد یا بالقوه، بنابراین مراتب مذکور در جایی که بعد از تحقق رهن، مرتضی مال مرهونه را به تصرف راهن داده، اقدام راهن در زمینه فروش و انتقال سرقفلی مغازه مرهونه به شخص ثالث بدون اذن مرتضی از جمله تصرفاتی است که با حق مرتضی منافات داشته و نافذ نیست، در نتیجه رأی شعبه چهاردهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می شود.

این رأی وفق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی



رأى شماره : ۱۳۷۶/۹/۴-۶۲۱

بسمه تعالى

رأى وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

برحسب اطلاق قسمت الف بند دو ماده ۳۶، ناظر به ذیل ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در مورد اعلام وقوع قتل عمدى، چنانچه دادگاه بدوى قتل را غيرعمد تشخیص دهد و حکم محکومیت بر این اساس صادر گردد، تشخیص دادگاه مسقط حق تجدیدنظرخواهی شاکی خصوصی از جهت ادعای عمدى بودن قتل نمی باشد و مرجع رسیدگی تجدیدنظر در این مورد با توجه به ماده ۲۱ قانون مرقوم، دیوان عالی کشور خواهد بود. بنا به مراتب رأى شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص می شود.

این رأى بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۷۶/۱۱/۲۱-۶۲۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مقررات ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ تضمینی است در جهت تأمین صحت آراء محاکم و عاری بودن احکام از اشتباه و مستفاد از بند دو ماده ۱۸ قانون مذبور به قرینه جمله شرطیه مندرج در قسمت اخیر آن این است که اشتباه در رأی صادره آن چنان واضح و بین باشد که چنانچه به قاضی صادر کننده رأی تذکر داده شود موجب تنبه وی گردد، لیکن حتمیت لزوم تذکر به قاضی صادر کننده رأی و حصول تنبه او از آن استنباط نمی شود، همین قدر که قاضی دیگری که شأناً و قانوناً در مقامی است که می تواند بر اجرای صحیح قوانین نظارت نماید پی به اشتباه رأی صادره ببرد و مطلب را کتبیاً و مستدلأً عنوان کند، مرجع تجدیدنظر را رأساً به اعمال مقررات تبصره ذیل ماده ۱۸ مکلف می نماید و با این کیفیت رأی شماره ۱۲۰-۷۶/۲/۹ شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۷/۱/۱۸-۶۲۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به مقررات قسمت اخیر ماده دو قانون اصلاح ماده یک و دو و سه قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک سال ۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن مصوب ۲۱ شهریورماه ۱۳۷۰ (ماده ۱۴۸ اصلاحی)، مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به رأی هیأت حل اختلاف موضوع ماده مذکور، دادگاه عمومی است و با این وصف رأی شعبه پانزدهم دیوان عالی کشور که متناسب با مطلب است صحیح و قانونی تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۷/۱/۱۸-۶۲۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه به موجب مواد ۷۵ تا ۸۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱، برای جعل و استفاده از سند مجعلو مجازات جداگانه تعیین شده و به علاوه در ماده ۸۳ قانون مذبور نیز برای استفاده کننده از سند مجعلو در مواردی که جاعل خود استفاده کننده باشد مجازات مقرر گردیده است، بنابراین بر طبق مواد مذبور استفاده از سند مجعلو عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است، بنا به مراتب دادنامه شماره ۶-۱۳۷۶/۲/۲۸ که به موجب آن با رعایت تعدد و ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی برای جعل و استفاده از سند مجعلو کیفرهای جداگانه تعیین شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی که بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری صادر گردیده، در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۷/۲/۸-۶۲۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند ۳ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، ناظر به احکام مصادره و ضبط اموالی است که به موجب بند ۶ ماده ۵ قانون مذکور و به موجب اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی در دادگاه های انقلاب اسلامی صادر می گردد و به آلات و ادوات جرم و اموالی که به تبع امر جزایی و به حکم قانون بایستی ضبط گردد، تسری ندارد و رسیدگی به درخواست تجدیدنظر آنها تابع قواعد رسیدگی به اصل جرم است، لذا اعتراض به مصادره شناورها و محصولات صیادی و آلات و ادوات صید که ناشی از تخلف از مقررات قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبزی بوده از شمول بند ۳ ماده مرقوم خارج است و رأی شعبه نوزدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی به استناد ماده واحده مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۷۷/۴/۹-۶۲۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قطع نظر از اینکه دعاوی مطروحه با مقررات قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه مانند زلزله، سیل و آتش سوزی از بین رفته اند (مصوب ۱۳۷۰/۲/۱۷) مجلس شورای اسلامی مطابقت ندارد، دعاوی خواهانها به خواسته تأیید اصالت اسناد عادی رقبات مورد نظر آنان به طرفیت اداره ثبت اسناد و املاک قابل استماع نمی باشد، زیرا اساساً به موجب تبصره سه ذیل ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معتبرضی ثبت که فاقد سابقه بوده یا اعتراض آنها در مراجع قضایی از بین رفته (مصوب ۱۳۷۳/۲/۲۵) مهلت قبول درخواست مقاضیان برای اعمال مقررات مواد یک و دو و سه قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک و الحاق موادی به آن (مصوب ۱۳۷۰/۶/۲۱) که به موجب تبصره دو ماده هفت این قانون برای آخرین بار به مدت دو سال دیگر تمدید گردیده است و با توجه به این که تقدیم دادخواست های خواهانها پس از انقضای مهلت قانونی بوده، موقعیت پذیرش در هیأت مذکور در ماده یک قانون اخیر الذکر را نداشته است، بنابراین و با عنایت به اطلاق ماده سه قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که به شرح آن اتخاذ تصمیم قانونی در دعاوی مطروحه را در عهده صلاحیت دادگاه عمومی دانسته است به اتفاق آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص داده می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۷/۶/۳۱-۶۲۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه مقررات بند هـ تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور عیناً در بند ((و)) تبصره ۱۷ قانون بودجه سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ کل کشور تکرار شده و شورای محترم نگهبان در مقام اظهارنظر، نسبت به لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور طی شماره ۱۳۸۸/۲۱/۱۱-۷۵/۱۱/۱۳۷۵ تصريحأً اعلام داشته: ((بند ((و)) تبصره ۱۷ اگر جزء خسارات مورد قرارداد است اشکالی ندارد و اگر علاوه بر آن خسارات است، خلاف موازین شرعی است)) و با توجه به اینکه در متن اسناد رسمی مستند دعاوی مطروح، خسارت قراردادی منظور نشده است، بنا به مراتب و با عنایت به اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادنامه شماره ۱۳۷۶/۵/۱۲-۵۷۲/۷۶ شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در حدی که متضمن لزوم فک وثیقه با ایفاء تعهد مصرح در سند رسمی وثیقه می باشد، نتیجتاً و قطع نظر از کیفیت استدلال، صحیح و منطبق با موازین تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده سوم از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۷/۶/۳۱-۶۲۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به این که کیفر حبس مقرر در ماده یک قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، حداقل یک سال و حداقل ۷ سال تعیین شده و به موجب تبصره یک ماده مرقوم، در صورت وجود علل و کیفیات مخففه دادگاه ها مجازند میزان حبس را تا حداقل مدت مقرر تخفیف دهند، تمسک به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی و تعیین حبس کمتر از حد مقرر در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی مغایر با موازین قانونی است، علیهذا رأی شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر مرکز استان تهران که مطابق با این نظر می باشد، به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و موجه تشخیص و تأیید می شود.

این رأی به استناد ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۷/۱۰/۲۹-۶۲۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

منظور مقتنن از ذکر جمله ((مرجع تجدیدنظر، رأی را نقض و رسیدگی می نماید)) در تبصره ذیل ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳، مرجعی است که نسبت به دادگاه صادرکننده رأیی که ادعای اشتباه در آن شده از حیث شأن و مقام عالی تر باشد و با این کیفیت و نظر به اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص حق نظارت دیوان عالی کشور بر اجرای صحیح قوانین در محاکم، چنانچه مرجع تجدیدنظر دعوایی، دادگاه تجدیدنظر استان باشد، مقامی که حق نقض رأی صادره از آن دادگاه را دارد دیوان عالی کشور خواهد بود، خصوصاً که دادگاه صادرکننده رأی، علی الاصول حق نقض رأی خود را ندارد و چون دیوان عالی کشور مرجع نقض و ابرام است، علیهذا رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور در مقام اعمال بند دو ماده ۱۸ قانون مذبور و پس از تشخیص وجود اشتباه ، در حدی که متضمن نقض حکم صادره از دادگاه تجدیدنظر استان همدان می باشد موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۷/۱۱/۶-۶۳۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جرائم انتسابی، زنای محسنه و محسن بوده که در صورت اثبات، بر حسب مقررات موضوعه مجازات آن رجم می باشد و بر طبق ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و وحدت ملاک رأی وحدت رویه شماره ۶۰۰-۴/۷/۱۳۷۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مرجع تجدیدنظر محکومیت و برائت در خصوص مورد، دیوان عالی کشور است، ولی چون محکوم علیها در مورد اتهام زنای محسنه به کمتر از حد نصاب شرعی و قانونی اقرار کرده، محکومیت مشارالیها به کمتر از ده سال حبس به استناد ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی نمی تواند موجب تغییر مرجع تجدیدنظر باشد، علیههذا رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور